

بررسی مسایل اجتماعی ایران در جبل المتین

نظام بهرامی کمیل^۱

چکیده:

جبل المتین هفته نامه‌ای است که از سال ۱۲۷۲ خورشیدی (۱۸۹۳ میلادی) تا سال ۱۳۰۹ خورشیدی (۱۹۳۰ میلادی) به شکل هفته نامه در هند چاپ و در ایران و برخی از شهرهای کشورهای همسایه مثل نجف، توزیع می‌شده است. پرسش اصلی تحقیق آن است که «مسائل اجتماعی جامعه ایران» از نگاه دست اندرکاران نشریه، دارای چه ویژگی‌های است. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم:

۱- مهمترین مسائل اجتماعی ایران کدامند؟ و مطالعات فرسنگی

۲- ریشه و علل این مسائل چیست؟

۳- این مسائل چه پیامدها و نتایجی در جامعه دارند؟

۴- برای حل آنها چه راههایی پیشنهاد شده است؟

در این تحقیق، به قید قرعه، کلیه مطالب چاپ شده در سالهای ۱۲۸۵ خ (۵-۱۳۲۴ ق) و ۱۲۹۴ خ (۴-۱۳۳۳ ق) مطالعه شده و متونی که بطور مستقیم به مسائل اجتماعی مربوط بوده، گردآوری و تحلیل شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، کلیه مطالب چاپ شده به جز اخبار، اشعار و آگهی‌ها بوده است.

۱. دانشجوی دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که؛ مهمترین مسائل اجتماعی جامعه ایران از نگاه نشریه به ترتیب عبارتند از:

در حوزه اقتصادی؛ فساد مالی، رشوه‌خواری و عدم وجود نظام مالیاتی دقیق و عادلانه
در حوزه اجتماعی؛ بی‌سوادی، فساد اخلاقی و بی‌عدالتی
در حوزه سیاسی؛ استبداد

تحلیل مطالب نشان می‌دهد که ریشه مسائل یاد شده نیز اکثراً ناشی از ساختار سیاسی عقب مانده است. به عبارت دیگر حاکم بودن نظام استبدادی و عدم وجود مولفه‌های توسعه سیاسی مانند پارلمان، عامل اصلی ایجاد مسائل اجتماعی است.

تحلیل متون هفته نامه نشان می‌دهد که نویسندگان مطالب به نتایج و پیامدهای مسائل اجتماعی کمتر توجه داشته و یا حداقل چنین پیامدهایی را بطور نظامند مطرح نکرده‌اند. به عبارت دیگر نتایج مسائل اجتماعی بر روی موضوعاتی مثل عقب ماندگی، ناامنی و شورش کمتر مورد توجه بوده و این مسائل بیشتر از نگاه اخلاقی و ظلمی که به افراد می‌شده، مطرح شده‌اند.

شاید مهمترین یافته‌های این تحقیق در قسمت راه حل‌های ارائه شده برای مسائل اجتماعی نهفته باشد. در اکثر موارد، مهمترین پیشنهاد نویسندگان برای مبارزه با مسائل اجتماعی جامعه ایران، اصلاح ساختار سیاسی است. از نظر نویسندگان با ایجاد برخی تغییرات بنیادی در ساختار سیاسی مثل ایجاد پارلمان، تفکیک قوا و بطور کل توسعه سیاسی، می‌توان مسائل اجتماعی ایران را ریشه کن کرد. این موضوع از یک طرف، تقلیل گرایانه است؛ زیرا به موضوعات اقتصادی و اجتماعی و مسائلی همچون تضادهای قومی و مذهبی، فقر و عقب ماندگی‌های علمی، تکنولوژیکی، بی‌سوادی و خرافه پرستی در ایجاد مسایل اجتماعی بهاء کمی می‌دهد. اما از طرف دیگر می‌توان گفت؛ نگاه کلان و ساختارمحور متون به مسائل اجتماعی کاملاً هوشمندانه بوده است. از نظر نویسندگان، در اکثر موارد علل معضلات اجتماعی ایران، خصایص فردی نبوده و آنان به جای شخصی کردن موضوعات، بدرستی به ساختارهای نامناسب جامعه اشاره کرده‌اند. تحلیل ساختاری و کلان نویسندگان باعث شده تا آنها دست از توصیه‌های اخلاقی کشیده و تغییرات اساسی را در سطح جامعه پیشنهاد کنند. البته آنان ایجاد این تغییرات را از بالا و توسط شاه و سیاستمداران ممکن دانسته و به تغییرات از پایین و توسط توده مردم اعتقاد زیادی ندارند.

بی عدالتی و ضایع شدن حقوق افراد

بی عدالتی یکی از موضوعاتی است که همیشه در ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. اهمیت این موضوع به اندازه‌های است که برخی مفسران مهمترین عامل ایجاد جنبش مشروطه را «خواست عدالت» می‌دانند. درباره علل ایجاد بی عدالتی و راه‌های از بین بردن آن در نشریه حبل‌المتین چنین آمده است: «در ایران سراغ نداریم از محصول اراضی در هیچ نقطه‌ای کسی بیشتر از ده یک بدولت بدهد، ولی چون قانون مساوات در بین نیست و دو نفر که همسایه یکدیگر هستند یکی ده یک می‌دهد و دیگری ده نیم یا ده ربع، ناله و فریاد رعایا بفلک می‌رسد، برخلاف آن در دول خارجه مثل بعضی جاهای هندوستان رعایا صد هفتاد و هفتاد و پنج که سه ربع تمام محصولات زراعتی باشد در مقابل حقوق دیوانی پرداخته، هیچکس هیچ گفتگویی ندارد، و احدی شاکی نیست... این امر تا وقتی که رفع افراط و تفریط در اصول اخذ مالیات نشود، ممکن نیست صورت ببندد، و رفع افراط و تفریط بدون پیمایش اراضی و ترتیب نقشجات صحیح دشوار، بلکه محال است.» (سال چهاردهم، شماره ۶، رجب ۱۳۲۴، ص ۲)

در این گزارش بی عدالتی و ظلم، به عنوان یکی از معضلات جامعه ایران معرفی شده است. نویسنده با تحلیل عمیق و دقیق خود به جای تقلیل این معضل به خصوصیات فردی کشاورزان یا ماموران دولت، به سطح کلان و ساختاری مشکل می‌پردازد؛ چنین تحلیل و علت یابی عمیقی حتی در متون روزنامه‌ها و نشریات فعلی به ندرت دیده می‌شود. اکثر ژورنالیست‌ها سعی می‌کنند برای دوری از دردسر به سطح خرد معضلات تمرکز کرده و آن‌ها را نتیجه انحراف افراد بدانند. به همین دلیل در حال حاضر، در تحلیل مسائل اجتماعی به خصوص انحرافات اجتماعی کمتر با تحلیل‌های جامعه‌شناسانه روبرو هستیم و بیشتر با تحلیل‌های روانشناسانه‌ای روبرو می‌شویم که هر نوع ضعف و مشکلی را به ویژگی‌ها و خصایص فردی تقلیل داده و از بررسی عوامل بسیار مهم اجتماعی غافل می‌مانند.

در یکی دیگر از یادداشت‌های نشریه با ماجرای شکنجه و فلک شدن فرد بی گناهی به جرم دزدی روبرو می‌شویم. نویسنده یادداشت پس از شرح مفصل حادثه چنین نتیجه می‌گیرد: «صد هزاران شکر و سپاس که دولت ابد مدت اعلام مشروطیت به عموم رعایای شاه پرست خود عنایت فرموده و ریشه ظلم و جور و جبر و تعدی

از بیخ و بن کنده شده است، در این مکالمات خدای واحد را شاهد حال خود می‌گیریم که هیچ غرض در میان ندارم و عین واقعیت است که عرضه داشتم.» (سال چهاردهم، شماره ۲۷، ص ۱۸)

نویسنده نامه‌ای از شهر سلماس پس از شرح ظلم کارگزاران دولت در شهرها و عمال اربابان در روستاها معتقد است: «بلی این نیست مگر از سایه دستگاه استبداد و کارخانه خودرانی که خداوند بنیانش را بر اندازد.» (سال چهاردهم، شماره ۱۴، ص ۹)

فساد اخلاقی

در یکی از یادداشت‌های نشریه آمده: «...چیزیکه مورث خرابی جمیع کارهای ملتی و دولتی ما شده همانا فساد اخلاق است که تا درجه کسب عمومیت نموده و میتوان گفت همه را احاطه کرده و جمیع خرابی‌های ملک و ملت را سبب گردیده است...» (سال چهاردهم، شماره ۱، ص ۵) نویسنده در ادامه پیامدهای این فساد اخلاقی را بر شمرده و در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «بنابر این فساد اخلاق ملت نقصانش به دولت بیش و اصلاحش بر او لازم تر است و اصلاح آن منحصر در دو امر می‌باشد:

اول تعلیم و تربیت عمومی و این تدریجی است.

دوم آنکه دولت حقوق مشروع ملت را به آن‌ها برساند و از طرق منافع خودشان آگاه گرداند... و آن منوط بر این است که دولت ملت را شریک نفع و ضرر خود قرار داده، در اموری که راجع بملک و ملت است آن‌ها را با اندازه لیافتشان دخیل سازد، و آن منحصر است بشورای ملی...» (همان، ص ۵) ملاحظه می‌شود که به نظر نویسندگان نشریه حتی برای بر طرف کردن مشکل اخلاقی جامعه باید به فکر ایجاد مجلس ملی بود.

فساد مالی

«چیزی که اسباب خرابی هر ملت و دولت گردیده بویژه مایه خرابی ملت و ذلت کافه هیئت اجتماعیه شده، رشوه است رشوه، و رشوه را جز قانون اساسی صحیح مانع نتواند گردید.» (سال چهاردهم، شماره ۱۱، ص ۳)

به استثنای مطلب بالا، یکی از نکات تعجب برانگیز یادداشت‌های چاپ شده در نشریات ایرانی آن است که اکثر آن‌ها در تحلیل مسائل و مشکلات مالی بیشتر به وجود فساد اخلاقی در افراد اشاره کرده معضل را کمتر از بعد ساختاری و اداری دیده‌اند. این موضوع درباره روزنامه حبل‌المتین هم که در سایر موارد رویکرد ساختاری دارد قابل مشاهده است؛ «مسئله تجاوز(هنسن) قائم مقام موقتی خزانه داغهای دیرین ملت را تازه ساخت... علناً اهالی می‌گویند که بزرگترین دشمنان ملی و محوکنندگان استقلال ایران همان مستخدمین خزانه و گمرک‌اند.» (سال بیست و سوم، شماره ۱، جمادی الاخر ۱۳۳۳، ص ۴)

در یادداشتی با عنوان «برای ملاحظه صاحبان غیرت و ناموس» نویسنده مطلب به مشکلات ناشی از ایجاد بانک‌های خارجی اشاره می‌کند و این بنگاهها را عامل ویرانی اقتصاد ایران و از دست رفتن پول و اعتبار تجار و مردم می‌داند. نویسنده معتقد است در صورت ورشکستگی این بانک‌ها، پول و دارایی مردم ضایع خواهد شد. (سال چهاردهم، شماره ۱۷، ص ۱۹)

همانطور که ملاحظه می‌شود در تحلیل مسائل و مشکلات مالی، نویسندگان نشریه، رویکرد ساختاری و کلان نگر خود را فراموش کرده و به عوامل ظاهری که در سطح خرد قرار دارند، تمرکز می‌کنند.

البته در مواردی خاصی نیز نویسندگان نشریه به مصادیق انحراف و عوامل فردی شکل‌گیری سایر مسائل اجتماعی اشاره کرده‌اند.

در رمضان ۱۳۲۴ هفته نامه حبل‌المتین، اقدام به چاپ نامه‌ای می‌کند که عده‌ای از تاجران ایرانی ساکن در ازمیر ترکیه به نشریه ارسال کرده‌اند. در این نامه از قنسول ایران در ازمیر شکایت و گله‌گذاری می‌شود. او به فساد و ظلم‌هایی چون؛ عدم رسیدگی به امور ایرانیان، مصادره اموال قانونی آن‌ها، زن‌بارگی و غیره متهم می‌شود، نویسندگان نامه از سفارت ایران در اسلامبول و از شخص ارفع الدوله خواستار برکناری قنسول جوان شهر ازمیر هستند. (سال چهاردهم، شماره ۱۳، ص ۲۲) این مورد یکی از موارد استثنایی است که بحث مفاسد و مسائل اجتماعی از بعد فردی و در سطح خرد مطرح می‌شود. به نظر نویسندگان نامه ریشه مشکلات آن‌ها با تعویض شخص قنسول برطرف می‌شود. آن‌ها خواستار تغییرات ساختاری و کلان نیستند؛ در

حالی که اکثر مطالبی که درباره مخاطبین داخلی است به ریشه‌های ساختاری و به خصوص ریشه‌های سیاسی مسائل اجتماعی توجه دارند.

قتل، شورش و گرانی

«خون یک نفر علمای مشروطه خواه که در چندین سال مشروطیت دارای ملک و تحول نشده به گردن کیست؟»

به عقیده ما به گردن خودش زیرا که چرا باید در این مدت این قدر دخل نکند که بتواند دو نفر که همراه خودش ره ببرد که اقلأً وقتی که او را کشتند نوکرهایش نشانه قاتل را بدهند.

حال این مقتول کیست؟ برای اطلاع قارئین دور دست بنویسیم جناب حاج شیخ عبدالرحیم مدرس یکی از فضلا، و مقدسینی بود که تقریباً شصت سال عمر از خداوند گرفته به کار کسی کار نداشت در انجمن ایالتی مرحوم عضویت داشت.» (سال بیست و سیم، شماره ۹، ص ۱۵)

ملاحظه می‌شود که روزنامه جبل‌المثین اقدام به چاپ گزارش قتلی کرده است که باز هم با تغییرات کلان ساختار سیاسی یعنی جریان مشروطیت سرو کار دارد. به عبارت دیگر نویسنده مطلب با زبان طنز به این نکته اشاره می‌کند که ساختارهای کشور هنوز مشکل گذشته داشته و توان حفظ جان افراد و ایجاد امنیت را ندارند و هنوز مثل گذشته باید با پول و قدرت از جان و مال خود حفاظت کرد.

در خبری که از کرمانشاه رسیده، مسئولین روزنامه چنین گزارشی را تدوین کرده‌اند: «از کرمانشاهان می‌نویسند که یکی از افسران قزاق بدکان سقط فروش رفته که قند و جای اکتفا کند، چون افسر مذکور متکبرانه صحبت داشته مناقشه‌اش با دکاندار بالا گرفته بدون درنگ دکاندار افسر را بزمین کوفته سر وی را شکسته لباسش را پاره کرده به این هم اکتفا نشده جمعیتی به‌واداری دکاندار برخواسته جداً از حکومت خواسته اند که تمام قزاق را از ایران بدر کنند.» (سال بیست و سوم، شماره ۱۰، ص ۳)

بطور حتم مناقشه و دعوا نه تنها در بین دکانداران کرمانشاهان بلکه در تمام بازارهای ایران امری عادی و روزمره بوده است؛ اما اینکه چرا نویسنده روزنامه از بین تمام مناقشه‌ها روزمره چنین برخوردی را برای چاپ انتخاب کرده است به سیاست‌های کلی روزنامه بستگی داشته است. به نظر می‌رسد، از آن جا که یکطرف دعوی مذکور فردی خارجی (افسر قشون قزاق) است، بنابراین از نظر دست اندرکاران روزنامه این خبر دارای ارزش خبری کافی برای چاپ شدن دارد. این امر

نشان دهنده اهمیت بعد سیاسی در انتخاب اخبار قابل چاپ در روزنامه حبل المتین است.

همانطور که ملاحظه می‌شود، مسائل اجتماعی در اکثر مطالب نشریه در سطح کلان مطرح شده و بخصوص با ساختار سیاسی پیوند زده می‌شود. به نظر دست اندرکاران نشریه مهمترین مشکل جامعه ضعف ساختار سیاسی و وجود استبداد است؛ هرچند بنا به شرایط و مقتضیات، این موضوع در لفافه و به شکلی محافظه کارانه بیان می‌شود؛ اما بطور کلی می‌توان نتیجه گیری کرد که از نگاه نویسندگان نشریه با اصلاح ساختار سیاسی و حاکم شدن مشروطه و قوانین مدون اکثر معضلات و مسایل اجتماعی نیز حل خواهد شد.

برخی از مقالات و یادداشت‌های چاپ شده در روزنامه حبل المتین تفسیرهای ساختارگرایانه و کلان محور را به ابعاد بین المللی گسترش داده و در تحلیل مشکلات داخلی به ریشه‌ها و عوامل خارجی و فرامرزی نیز اشاره می‌کنند. «الحمدالله قریب دوازده روز است بالاتصال رحمت اللہی جاری است. مردم همچو تصور می‌کردند که گرانی غله و قله اجناس مخصوصاً گندم و جو بواسطه نیامدن بارش است و بعکس واقع شده روز بروز اجناس ترقی می‌یابد از جهازات متعدده اسباب میاسوسی حاصل جنگ اروپا نه همان ممالک را منقلب نموده بلکه تمام کره ارض گرفتار، حتی دول بیطرف هم با تش آن می‌سوزد.» (سال بیست و سوم، شماره ۲، ص ۲۰)

مذهب

یکی از مسائلی که در اکثر نشریات دوران مشروطه برجسته می‌شده و امروز نیز مطرح می‌شود؛ موضوع زیر پا گذاشتن یا بی احترامی به هنجارهای مذهبی است. هرچند تخطی و انحراف از قوانین شریعت؛ از مسائل اصلی جامعه نیست، اما به طور غیر مستقیم و با توجه به پیامدهایی که برای مشروطیت دارد می‌تواند مهم تشخیص داده شود. در یکی از نوشته‌های نشریه آمده است: «ما کاری بکارهای شبانه که در پرده و زیر لحاف است نداریم؛ روزه‌های رمضان المبارک طهران هم بی لطف نیست. بر عکس سی سال قبل که جناب عالی طهران تشریف داشتید همه دکان‌ها با رونق

است جز دکان ملائی و مساجد و منابر که در این ماه مبارک از رونق حقیقی‌اش کاسته ولی در بعض مقامات به ازدحام و رونق ظاهری‌اش افزوده است. بالجمله در این شهر دو فرقه پیدا شده یکی دوست و دیگری دشمن، ولی اثرات اعمال آنها برای بدنام کردن دولت قانونی یکسان است. دوستان همان مشروطه خواهان لاابالی و فرنگی مابان لاپروا هستند که تجاهر به فسق را یک گونه شرف و افتخار برای خود قرار داده علناً بروزه خواری در این قبه الاسلام اشتغال می‌ورزند. دشمنان همان مستبدین پاردم سائیده لامذهب و برخی از فسقه رعایای خارجه اند که محض بدنام نمودن دولت مشروطه از هیچگونه تجاهر بفسق دریغ نمی‌نمایند.» (سال بیست و سیم، شماره ۱۶، ص ۵)

البته در بیشتر موارد با تاثیرپذیری از ایده‌های روشنفکران و تجددخواهان چون میرزا ملکم خان، سعی می‌شود قرائت مدرن و پویایی از مذهب ارایه شود، به نحوی که با توسعه و پیشرفت ابعاد مختلف جامعه در تضاد نباشد. برای مثال درباره ضرورت آموزش زبان فارسی نوشته شده: «باری استحکام شالوده ترقی هر دولت و ملت باز کردن دبستان‌های دخترانه و پسرانه و در آن دبستان‌ها تعلیم دادن بزبان قومی و وطنی است، درست اگر ملاحظه شود کمتر کس از فارسی زبانان ما پیدا می‌شود که بدون اینکه ۲۰ سال عمر خود را در عربی صرف کرده باشد بتواند یک کتابت در فارسی بدون غلط تحریر نماید و قادر باشد که از عهده این مطالب برآید. چرا؟ برای اینکه کلمات عربی را از فارسی تمیز نمی‌دهیم....»

اگر بخواهیم که فارسی درست بدون مرکب به عربی بودن ترویج یابد؛ اسهل شقوق آن است که نوباوگان را اول فارسی را بطریق اکمل آموخته که ناچار از درست نگاری باشند و بعد از اینکه نوباوگان خواندن و نگاشتن را بفارسی آموختند و قادر بر نوشتن و خواندن شدند، پس از آن عربی را که لسان دیانتی ماست و ناگزیر از دانستن او هستیم به آنان بیاموزیم.... این امر بسیار زشت است که کودک هنوز دهان باز نکرده قرآن که کتاب دیانتی ما است و باید بدون طهارت مس او را نکنیم بدست آن داد.» (سال بیست و سیم، شماره ۳، ص ۱۱)

نتیجه گیری

با بررسی کلی مطالب موجود درباره مسائل اجتماعی مشخص می‌شود؛ مهمترین ویژگی نهفته در تحلیل‌های موجود در حبل‌المتین این است که از نظر دست اندرکاران این نشریه برای حل معضلات اجتماعی، باید کار را از حیثه دولت و ساختار سیاسی شروع کرد. به عبارت دیگر پیش از پرداختن به حوزه فرهنگ یا اقتصاد باید حوزه سیاست را اصلاح کرد؛ زیرا اگر مشکل این حوزه برطرف شود سایر مسائل نیز خود به خود حل خواهند شد. بطور کلی اکثر فعالان و نخبگان ایرانی به خصوص در عصر مشروطه فکر می‌کردند با دستیابی و کنترل قدرت سیاسی قادر خواهند بود؛ تمام مشکلات و کمبودهای جامعه را بر طرف کنند؛ اما به مرور زمان از این توهم بیرون می‌آیند.

نگاهی گذرا به مطالب منتشر شده در سال‌های پایانی کار حبل‌المتین نشان می‌دهد که رویکرد جمع‌گرایانه سیاسی به مرور جای خود را به نگاهی فرد‌گرایانه و فرهنگی در تبیین مسائل اجتماعی می‌دهد.

«چنانچه ترقی هر علم و فن و کار منوط بقدرانی ملت و قدر افزایی دولت از این است که اروپائیان هر امری را که قابل ترقی می‌دانند، ملت و دولت در عظمت و اهمیت آن عمل سخن رانده قدر افزایی می‌نمایند... چون سیاحت بزرگترین اسباب ترقی زمان است. اروپائیان بدرجه ملت خود را تشویق نموده اند. زنان و عورات این ملت بلند حوصله پا در دامنه سیاحت نهاده ملت خویش را از اطلاعات خود هزارگونه مقامات بخشند.» (شماره بیست، ذیعقده ۱۳۱۳، ص ۱۴) همانطور که ملاحظه می‌شود، در این مطلب به اهمیت نقش افراد در فراهم آوردن بسترهای پیشرفت و بهبود امور اشاره شده است. به عبارت دیگر نویسندگان کم‌کم به این نتیجه رسیده اند که برای ایجاد مجلس و مشروطه و قانون‌سالاری، علاوه بر اصلاح نهادهای دولتی به افراد آگاه و جهان‌دیده که روحیه آزادیخواهی داشته باشند نیاز است.

در یادداشت بسیار مهمی که در آخرین سال کار نشریه نوشته شده؛ نویسنده بجای تاکید بر ساختار سیاسی به فرهنگ پرداخته و مهمترین عامل توسعه و پیشرفت کشور را اصلاح حوزه‌های فکری و فرهنگی می‌داند. به عبارت دیگر پرسشی که در حال حاضر اکثر روشنفکران و نخبگان ایرانی با آن روبرو هستند؛ در دوران مشروطه نیز وجود داشته است؛ آن پرسش این است که برای بهبود و پیشرفت جامعه اولویت با

ساختار سیاسی است یا حوزه فرهنگی. حبل المتین در اوایل کار خود اولویت را به ساختار سیاسی می‌داد، درحالی که بنظر می‌رسد در دهه چهارم کارش بیشتر به حوزه فرهنگ متمایل شده است.

«یکی از عوامل موثری که درس مورفولوجی و تاریخ اجتماع آنرا اسباب ترقی بشر می‌داند تطورات فکری است....»

ترقی و عظمت هر ملتی بر شالوده اخلاقی و آداب آن بنا شده و چون شالوده اخلاق متزلزل شده آن ملت نیز دچار هرج و مرج و بالاخره محکوم به فنا می‌شود.... همچنین نباید آداب اجتماعی یک مملکت پانصد ساله متمدن را در یک مملکت ده ساله سر تا سر خرافات جهل و اوهام اجرا کرد؛ بلکه باید یک درجاتی را برای تطور قائل شد که از درجه صفر پیموده و بمرور زمان تاثیرات محیط با قدم‌های ثابت و بدون قهقرا بدرجات عالیہ نایل شویم....»

مسئله‌ای که توجه مرا بخود معطوف و آن را بهترین راه علاج مرض جامعه می‌دانم، نمایش‌های اخلاقی و ادبی است که در قالب افسانه و رمان آن‌ها را درآورده تا در نقاط مختلفه ایران نمایش یابد. این مسئله یک انقلاب مهمی در عالم اجتماعی ما خواهد افکند که بدون جار و جنجال و سهولت و سرعت تمام نتیجه مطلوب بدست آید.» (سال ۱۳۰۸، ۳۸ شمسی، ص ۵)

ژوئیه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی